

سلسله درس های محدودیت

حلقه ششم

غزبت امام عصر علیهم السلام

دکتر سید محمد کبیری مازنی



سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: غربت امام عصر (عج): سلسله درس‌های مهدویت، حلقه ششم
سید محمد بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.
شابک جلد ششم: ۷-۱۵۳-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
شابک دوره: ۲-۱۵۸-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. مهدویت.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸۳ ب / ۲۲۴ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲

شابک ۷-۱۵۳-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-539-153-7

غربت امام عصر (عج)

سلسله درس‌های مهدویت (۶)
سید محمد بنی‌هاشمی
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰
تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶
چاپ: زندق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۲۱-۶۶۸۰۱۳۳۵ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)
وب سایت: <http://www.monir.com>
پست الکترونیک: info@monir.com
دیگر مراکز بخش: تبریز (صحیفه) ۰۴۱۱-۵۵۵۱۸۴۸ * اهواز (رشد) ۰۶۱۱-۲۲۱۷۰۰۱ * مشهد ۰۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷
شیراز (شاهچراغ) ۰۷۱۱-۲۲۲۱۹۱۶ * اصفهان (مهر قائم) ۰۳۱۱-۲۲۲۱۹۹۵ * دزفول (معراج) ۰۶۴۱-۲۲۶۱۸۲۱

۵۰۰۰ تومان

این حلقه به نیابت از:

احیاگر احادیث اهل بیت علیهم السلام

شیخ صدوق رحمته الله

به پیشگاه؛

مادر بزرگوار سید الاوصیاء و امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام

تقدیم می‌گردد.



فهرست مطالب

بخش اول: غربت امام عصر علیه السلام

۱۷	درس اول: نعمت ناشناخته
۱۷	مقدمه: اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، نعمت کفران شده
۲۱	فصل اول: امام قدر ناشناخته
۲۱	معنای اول غریب
۲۳	قدر ناشناخته بودن امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۴	امام شناسان قدر ناشناس
۲۷	درس دوم: قدر ناشناخته بودن صفات امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۷	عدم معرفت به وصف
۲۸	الف) امامت
۳۰	ب) ولایت
۳۲	ج) عصمت
۳۶	د) نص بر امامت
۳۹	درس سوم: بی اعتقادی به امام <small>علیه السلام</small> و راه نجات از آن
۳۹	بی اعتقادی تحصیل کرده ها



۷۹	آب شیرین و گوارا	۴۰	کم معرفتی عوام
۸۰	شاهد بر ائمت	۴۳	قدرناشناسی نسبت به «علم مصبوب»
۸۱	رفیق مونس	۴۵	حیرت و هلاکت
۸۳	پدر دلسوز	۴۶	تنها راه نجات
۸۵	درس هفتم: مقایسه «بئر معطله» با «ماء معین»	۴۸	همچون امور دنیوی
۸۵	چاه بدون استفاده و قصر خالی از سکنه	۵۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۳
۸۸	آب در دسترس		
۹۱	فتنه شدید	۵۱	فصل دوم: امام از یاد رفته
۹۵	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۴ تا ۷	۵۱	درس چهارم: فراموش شدن قلبی و زبانی امام عصر <small>علیه السلام</small>
		۵۱	معنای دوم غریب
۹۷	فصل چهارم: امام دور از اهل و دیار	۵۲	ویژگی‌های یاد کردن
۹۷	درس هشتم: امام دور از اهل و دیار و بی‌یار و یاور	۵۴	چگونگی یاد کردن از امام عصر <small>علیه السلام</small>
۹۷	معنای چهارم غریب	۵۶	امام زمان از یاد رفته
۹۸	عزت امام عصر <small>علیه السلام</small>	۶۰	درس پنجم: فراموشی فراگیر
۱۰۰	سکونت امام عصر <small>علیه السلام</small> در نقاط دور دست	۶۰	پدر و مادر از یاد رفته
۱۰۲	اهل طاعت و اخلاص	۶۴	زندان غیبت
		۶۶	غفلت شیطانی
۱۰۵	فصل پنجم: امام بی‌یار و یاور	۶۹	مردن یاد امام <small>علیه السلام</small>
۱۰۵	معنای پنجم غریب		
۱۰۵	وصف یاران خاض امام عصر <small>علیه السلام</small>	۷۳	فصل سوم: امام فرو نهاده
۱۰۷	اندک بودن یاران امام <small>علیه السلام</small>	۷۳	درس ششم: امام مهجور
۱۱۱	مؤمنان ثابت قدم	۷۳	معنای سوم غریب
		۷۵	مهجور بودن امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۱۵	فصل ششم: منتقم خون امام حسین <small>علیه السلام</small>	۷۵	علم مصبوب
۱۱۵	درس نهم: امام عصر <small>علیه السلام</small> خونخواه امام حسین <small>علیه السلام</small>	۷۶	کشتی نجات
۱۱۵	امام غریب	۷۷	ریشه هر خیر

۱۵۹	درس دوازدهم: نصرت قلبی (۱)
۱۵۹	دین شناسی
۱۶۰	تفسیر «حکمت»
۱۶۴	آثار تفقه در دین
۱۶۶	فضیلت فقاہت
۱۶۹	درس سیزدهم: نصرت قلبی (۲)
۱۶۹	معنا و ابعاد تفقه در دین
۱۷۴	ثبات در دینداری
۱۷۶	تہذیب قلب از گناہان
۱۸۰	یاری امام <small>علیه السلام</small> با محبت به ایشان
۱۸۳	پرسش‌های مفہومی از درس‌های ۱۱ تا ۱۳
۱۸۵	فصل سوم: یاری امام عصر <small>علیه السلام</small> با زبان
۱۸۵	درس چهاردهم: نصرت زبانی (۱)
۱۸۵	تہذیب زبان یا اولین مرحلہ یاری امام <small>علیه السلام</small>
۱۸۷	وظیفہ تبلیغ دین
۱۹۱	تبلیغ دین در غیبت صاحب دین
۱۹۴	رعایت تخصص‌ها و قابلیت‌ها در تبلیغ دین
۱۹۹	گناہ فاش کردن اسرار اہل بیت <small>علیہم السلام</small>
۲۰۱	درس پانزدهم: نصرت زبانی (۲)
۲۰۱	دفاع فرهنگی از دین
۲۰۴	تحمل سختی‌ها
۲۰۵	پاداش ایستادگی در برابر دشمنان دین و نجات بیچارگان
۲۰۹	حفظ دین در هنگام مرگ
۲۱۱	توجہ و عنایت ائمہ <small>علیہم السلام</small> به یاران خویش

۱۱۶	خونخواہی سیدالشہداء <small>علیہم السلام</small>
۱۲۱	انتقام الہی از قاتلان امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۲۱	انتقام یا کینہ توزی؟
۱۲۳	مصیبت بزرگ
۱۲۵	اندوہ ہمیشگی
۱۲۶	پایہ گذاران ظلم
۱۲۹	درس دہم: انتقام از راضیان بہ قتل امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۲۹	پیروان ظالمان
۱۳۱	راضیان بہ ظلم
۱۳۵	اسراف در قتل!
۱۳۷	اختصاص این نوع قصاص بہ امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۳۹	مأموریت الہی
۱۴۲	پرسش‌های مفہومی از درس‌های ۸ تا ۱۰

□ بخش دوم: یاری امام غریب

۱۴۵	فصل اول: اہمیت یاری امام عصر <small>علیه السلام</small> و اقسام آن
۱۴۵	درس یازدهم: اہمیت یاری امام عصر <small>علیه السلام</small> و اقسام آن
۱۴۵	یاری امام، یاری خداوند
۱۴۶	بی‌نیازی خدا از یاری غیر
۱۴۸	بی‌نیازی امام <small>علیه السلام</small> از یاری دیگران
۱۴۹	یاری کردن امام <small>علیه السلام</small> ، لطف امام <small>علیه السلام</small>
۱۵۱	کاستن از غربت امام <small>علیه السلام</small>
۱۵۲	معزفی امام غریب
۱۵۶	اقسام یاری امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۵۹	فصل دوم: یاری امام عصر <small>علیه السلام</small> با قلب



۲۷۴	فضیلت زیارت سیدالشهداء <small>علیه السلام</small>
۲۷۹	زیارت عاشورا
۲۸۴	شعار امام عصر <small>علیه السلام</small> و یارانشان
۲۸۸	درس بیستم: انصار سیدالشهداء <small>علیه السلام</small>
۲۸۸	احوال یاران امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۹۱	سعید بن عبدالله حنفی
۲۹۳	برادران غفاری
۲۹۴	عابس بن ابی شیب
۲۹۵	عمرو بن جناد
۲۹۷	«حبیب بن مظاهر» و «مسلم بن عوسجه»
۲۹۸	عمرو بن قرظله انصاری
۲۹۹	غلام ترک
۳۰۲	فداکاری‌های بانوان کربلا
۳۰۳	نمونه اول
۳۰۴	نمونه دوم
۳۰۵	نمونه سوم
۳۰۶	نمونه چهارم
۳۰۸	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۷ تا ۲۰
۳۰۹	فهرست منابع

۲۱۹	فصل چهارم: یاری امام عصر <small>علیه السلام</small> با عمل
۲۱۹	درس شانزدهم: نصرت عملی (۱)
۲۱۹	بالاترین درجه یاری
۲۲۰	تبلیغ عملی دین
۲۲۵	امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> الگوی مؤمنان
۲۲۸	جذب افراد به تشیع با عمل
۲۳	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۴ تا ۱۶
۲۳۲	درس هفدهم: نصرت عملی (۲)
۲۳۲	ورع و احتیاط در دین
۲۳۵	ورع و عفت خانم‌ها
۲۳۹	نظر شرع مقدس در مورد عبادات بانوان
۲۴۲	کلام حضرت زهرا <small>علیه السلام</small> در مورد قرب زن به پروردگار
۲۴۵	درس هجدهم: نصرت عملی (۲)
۲۴۵	ضرورت تعلیم و تعلم برای بانوان
۲۴۸	ارزش کانون خانواده
۲۵۴	رعایت عفاف در ارتباط با نامحرم
۲۵۴	دست دادن با نامحرم
۲۵۵	نگاه شهوت آلود
۲۵۶	شوخی با نامحرم
۲۵۸	ملاقات با زن نامحرم بدون اجازه ولی او

۲۶۱	فصل پنجم: یاری امام عصر <small>علیه السلام</small> با یاری امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۶۱	درس نوزدهم: نصرت سیدالشهداء <small>علیه السلام</small>
۲۶۱	یاری امام حسین <small>علیه السلام</small> ، بالاترین درجه یاری امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۶۴	یاری سیدالشهداء <small>علیه السلام</small> در زمان ما
۲۷۱	یاری سیدالشهداء <small>علیه السلام</small> از طریق زیارت ایشان

بخش ۱

غزبت امام عصر علیهما السلام



این حدیث از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که در توصیف فرزند عزیزشان فرموده‌اند:

هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ...^۱

او طرد شده تنهای غریب است...

آیا واقعاً امام زمان ما تنها و غریب هستند؟ اگر نخواهیم فرمایش معصوم علیه السلام را حمل بر مسامحه و مبالغه‌گویی کنیم، چه معنی یا معانی را می‌توانیم برای آن قائل شویم؟ به لطف و عنایت خود آن حضرت، پنج معنای مختلف برای غربت ایشان می‌توان دریافت؛ که سه معنای آن، متناظر با سه مرتبه از مراتب شکرگزاری نسبت به نعمت وجود امام علیه السلام است. به این صورت که هر مرتبه از کفران این نعمت عظمی منتهی به یک معنا از غربت ایشان می‌گردد. هر یک از فصول یک تا پنج این بخش به اثبات و شرح یکی از معانی غربت امام عصر علیه السلام اختصاص دارد و در فصل پایانی (ششم)، به مناسبت توضیح حدیث امام هفتم علیه السلام بحث انتقام گرفتن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه از قاتلان حضرت سیدالشهداء علیه السلام مطرح شده است.

درس اول: نعمت ناشناخته

مقدمه: اهل بیت علیهم السلام، نعمت کفران شده

با اینکه وجوب شکر منعم، بدیهی عقلی به شمار می‌آید، ولی بسیاری از نعمت‌های الهی مورد بی‌توجهی و کفران واقع می‌شوند. در این بخش قصد داریم چگونگی برخورد مردم را با بزرگترین نعمت الهی - یعنی وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام - مورد بررسی قرار دهیم. در مطلع بحث، روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام - از پدران گرامی ایشان علیهم السلام نقل می‌کنیم:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُكْفَرًا لَا يُشْكِرُ مَعْرُوفُهُ، وَ لَقَدْ كَانَ مَعْرُوفُهُ عَلَى الْقُرَشِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْعَجَمِيِّ. وَ مَنْ كَانَ أَعْظَمَ مَعْرُوفًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ؟^۱

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۲، ح ۳ به نقل از علل الشرایع.

۱- کمال الدین، باب ۳۴، ح ۴.

نامیده شده است.

امام علیه السلام نیز از جهت «مُكْفَرٌ بُوْدُن» همچون پیامبر صلی الله علیه و آله است. حضرت امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام در ادامه روایت یاد شده، فرموده اند که:

وَ كَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ مُكْفَرُونَ، لَا يُشْكِرُ مَعْرُوفًا.^۱

و همچنین ما اهل بیت نیز مُكْفَرٌ هستیم، چون شکر کارهای خوب ما ادا نمی شود.

خداوند متعال به انسان ها اراده و شعور و اختیار داده است تا آنها با خواست خود در طریق رضای خالق خویش قدم بردارند. ولی متأسفانه مسیری که بشر تا امروز پیموده، به طور کامل مورد رضایت پروردگار نیست، زیرا انسان ها از کسانی که بیشترین حقوق را برگردنشان دارند، کمترین قدردانی را کرده و آنها را مورد بی توجهی قرار داده اند. مؤمنان برگزیده نیز مانند ولی نعمت هایشان مورد کفران واقع می شوند و مُكْفَرٌ بودن را از موالی خویش به ارث برده اند. در ادامه روایت آمده است:

وَ خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكْفَرُونَ، لَا يُشْكِرُ مَعْرُوفُهُمْ.^۲

و برگزیدگان از مؤمنان، مُكْفَرٌ هستند، زیرا کار خوب آنها مورد شکر قرار نمی گیرد.

واقعیت این است که بیشتر مردم - حتی شیعیان و دوستانداران ائمه علیهم السلام - با حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به طور کامل آشنا نیستند و گاهی اصلاً به ضرورت شکرگزاری این نعمت بی مانند الهی

پیامبر صلی الله علیه و آله مورد کفران قرار گرفته اند و کار خوب ایشان شکر گزارده نمی شود، در حالی که خیر ایشان به قریش و عرب و عجم رسیده است. و چه کسی بیشتر از پیامبر صلی الله علیه و آله برای این خلق کار خیر انجام داده است؟

تعبیر مُكْفَرٌ - که از کفر و تکفیر گرفته شده - اسم مفعول از باب تفعیل، و به معنای «کفران شده» و یا «پوشیده شده» است. مُكْفَرٌ در اصطلاح به کسی اطلاق می شود که از او قدردانی نشود و نعمت وجودش مورد کفران واقع شده باشد.

کلمه «معروف» که در این روایت به کار رفته، یعنی کار خوب و نیک. خیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عام و فراگیر و شامل همه مردم - اعم از افراد قبیله ایشان (قریش) و هم نژادی های ایشان (عرب)، و غیر آنها (عجم) - بوده است. معروف پیامبر صلی الله علیه و آله شامل گروه خاصی نبوده، بلکه همه عالم از آن بهره برده اند. ولی متأسفانه به طور شایسته از ایشان قدردانی نشده و مورد کفران قرار گرفته اند.

همان طور که امام موسی بن جعفر علیه السلام تذکر فرموده اند، در میان مخلوقات خدا - از ابتدای خلقت تا انتهای آن - هیچ کس را نمی توان یافت که به اندازه پیامبر صلی الله علیه و آله در حق مردم کار خوب انجام داده باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مالک و واسطه همه نعمت های مادی و معنوی هستند، که به خلق خدا رسیده است. مهم تر از همه اینکه امر هدایت الهی را تکمیل فرموده و اسلام را برای مردم آورده اند. نور هدایتی که به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله منتشر شده، به انسان حیات واقعی بخشیده است. اگر انسان از این نعمت محروم می ماند، چه بسا از حیوانات گمراه تر می بود. حق این سرچشمه فیض الهی هیچ گاه ادا نگردیده و به همین علت، مُكْفَرٌ

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۴۷.

۲- همان.

توجه ندارند. اگر هم موعظه‌ای شنیده، متذکر شوند، به زودی آن را فراموش می‌کنند.

در این بخش می‌خواهیم از این واقعیت تلخ سخن بگوییم، ناهمگی باور کنیم که در دنیای ما پیامبر و ائمه علیهم السلام خصوصاً مولای عزیزمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مکفّر و غریب هستند. برای این منظور، معانی مختلفی از غربت ایشان را مورد توجه قرار می‌دهیم.

فصل ۱

امام قدرناشناخته

معنای اول غریب

«قدر ناشناخته بودن» یکی از معانی رایج غربت است. اگر معرفتی که شایسته و بایسته شخصی است، وجود نداشته باشد، او را می‌توان «غریب» دانست. به عنوان مثال، اگر مردم با پزشک ماهری زندگی کنند، ولی او را نشناخته، به کمالات و تخصص و ایمان و دلسوزی او آگاه نباشند و با او مثل یک فرد بی سواد برخورد کنند، اصطلاحاً به آن پزشک، «غریب» گفته می‌شود. از طرفی ممکن است مردم به تخصص و تعهد او آگاه شوند، ولی قدر او را نشناسند و قلباً به او اعتقاد نداشته باشند و در مقابل به پزشکان دیگری که این تعهد و تخصص را ندارند، اعتماد کنند. در این صورت باز هم این پزشک «غریب» مانده است. حال فرض کنید که این پزشک، در علم فقه هم متخصص باشد، در این صورت انتظار می‌رود که وقتی صحبت از فقه می‌شود، او را در زمره فقها برشمرده، به عنوان یک فقیه برای او حساب باز کنند. در غیر این

پس به طور کلی غریب به معنای قدرناشناخته، دو صورت دارد: یکی آنکه اصلاً شناختی نسبت به او یا بعضی از کمالات و فضایل او وجود نداشته باشد. دوم زمانی که دیگران به او و کمالاتش واقف باشند، ولی آن طور که شایسته اوست، قدرش را نشناسند.

صورت اول، یک امر اختیاری نیست؛ چون انسان به اختیار خود شناخت پیدا نمی‌کند، هر چند که قطعاً مقدمات و زمینه‌های آن اختیاری است. ولی صورت دوم، کاملاً اختیاری است. وجه اشتراک بین این دو صورت، عدم شکرگزاری قلبی نسبت به نعمت مورد نظر است؛ یعنی اینکه حق او و کمالات و فضائل او ادا نشده است. در حالت اول، عدم شناخت نعمت و در حالت دوم، قدرناشناسی از آن نعمت، سبب کفران نعمت است. به هر حال، آن اعتقاد و باور قلبی که شایسته یک نعمت است، نسبت به آن وجود ندارد. همین معنا را می‌توانیم به مکفور بودن قلبی و در نتیجه غریب ماندن تعبیر کنیم.

قدرناشناخته بودن امام عصر علیه السلام

وقتی تعبیر «قدرناشناخته» و «غریب» برای امام عصر علیه السلام به کار می‌رود، شاید تصوّر شود که مطرح‌کنندگان این بحث در بیان خویش مبالغه و اغراق می‌کنند؛ و یا گمان رود که این ادعا صرفاً بر پایه احساسات و عواطف است و جنبه عقلانی ندارد. در حالی که غریب امام علیه السلام امری مستدل و روشن است که همگان باید واقعاً به آن متذکر شوند و حقیقت آن را بیابند.

نعمت حضرت ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه یک نعمت «عام» و فراگیر است و همه خلایق را در بر می‌گیرد. شیعیان و غیر شیعیان،

صورت، حق او ادا نشده است.

به این ترتیب، هر چه کمالات فرد بیشتر و فراگیرتر باشد، ضرورت شناخت او ملموس‌تر می‌شود. هر کدام از ویژگی‌های برجسته‌اش که به طور اختیاری یا غیر اختیاری - مورد توجه واقع نشود، از آن جهت قدرناشناخته و غریب می‌ماند.

به همین ترتیب، اگر یک واسطه خیر شناخته نشود و مردم ندانند که نعمت‌ها و برکات از جانب چه کسی به آنها رسیده است، به سبب این نادانی، شکر نعمت او را چنانکه شایسته است، ادا نمی‌کنند و لذا او «غریب» می‌ماند.

از طرف دیگر، اگر ولّی نعمت شناخته شود، ولی به خاطر بی‌توجهی یا به عمد، از او قدرناشناسی لازم نشود، کفران نعمت صورت گرفته، این کفران نعمت به نوعی دیگر، به غریب او می‌انجامد.

برای روشن‌تر شدن مطلب، به ذکر مثالی می‌پردازیم. فرض کنید که شخصی میزبان مجلسی شده و سفره‌ای گسترده است که بر سر این سفره، از همه مهمانان پذیرایی می‌شود. حال اگر برخی از مهمانان، میزبان خود را نشناسند و ندانند که بر سر سفره چه کسی نشسته‌اند، طبعاً نمی‌توانند از او تشکر کنند. در این صورت، میزبان، ناشناخته و غریب خواهد ماند. حالت دیگری از غریب میزبان، وقتی صدق می‌کند که مهمان‌ها - با وجود اینکه صاحب نعمت را می‌شناسند - به او بی‌اعتنا باشند، از او تشکر نکنند و نسبت به او بی‌توجه باشند. در این حالت نیز، به میزبان، مکفور و غریب گفته می‌شود و بدین ترتیب، مهمان‌ها با قدرناشناسی خود، میزبان را در غریب نگاه داشته‌اند.

مسلمانان و غیرمسلمانان و حتی حیوانات و گیاهان و جمادات نیز، از نعمت و جود ایشان بهره مند می شوند و این نعمت مانند باران بر سر همه می بارد.

بنابراین شکر نعمت و جود ایشان، باید به گستردگی خود این نعمت، فراگیر باشد؛ در حالی که در حال حاضر، بر روی کره زمین، اکثر مردم اصلاً امام زمان علیه السلام را نمی شناسند و در واقع نمی دانند میزبان و ولی نعمت آنها کیست. بر سر سفره ایشان نشسته اند و نان و نمک حضرت را می خورند، اما هیچ گونه شکرگزاری نسبت به ایشان انجام نمی دهند؛ چون اصلاً نعمت و جود ایشان را نمی شناسند، تا ضرورت شکر آن را بدانند.

البته این عده که از شناخت ولی نعمت خویش محروم مانده اند، گاهی در این محرومیت خود مقصّر هستند؛ یعنی عدم شناخت آنها به سبب کوتاهی خودشان در فراهم آوردن مقدمات آن بوده است. این افراد، چه در جهل خویش مقصّر باشند یا نه، به هر حال، امام زمان خود را نمی شناسند و آن حضرت برای ایشان مکفور و غریب هستند.

امام شناسانِ قدرناشناس

غربت امام علیه السلام در بین عده دیگری مشهودتر و ناگوارتر است. این عده، اقلیتی هستند که خدای متان، امام عصر علیه السلام را به آنها شناسانده است و آنها می دانند که آن حضرت، حجت خداست و به آن اذعان دارند، لذا در زمره شیعیان قرار می گیرند، ولی قلباً قدرشناس حضرت نیستند.

این افراد اندک، مهمانانی هستند که میزبان و ولی نعمت خود را

می شناسند، اما متأسفانه غالباً او را مورد بی مهری قرار می دهند و شکر حضرتش را - چنانکه باید و شاید - ادا نمی کنند. غربت این ولی نعمت برای این افراد یک امر کاملاً اختیاری و به معنای قدرناشناسی از وجود ایشان است.

کسانی که این چنین امام خویش را قدرناشناخته رها کرده اند، شایسته سرزنش هستند؛ چرا که از روی اختیار، نسبت به اعتقاد و پذیرش قلبی کوتاهی کرده اند.

اقلیتی که شناخت اولیه نسبت به امام زمانشان دارند، اگر حق این معرفت را ادا کنند و قلباً قدر دان آن شوند، خدای متعال به فضل خود، بر معرفت آنها می افزاید و امام علیه السلام را به آنها بیشتر می شناساند. ولی گاهی این افراد، خود، مقدمات معرفت بیشتر را فراهم نمی آورند^۱ و با کوتاهی در انجام مقدمات حصول معرفت، امام علیه السلام را برای خود غریب باقی می گذارند.

متأسفانه بسیاری از شیعیان که از ولایت امام عصر علیه السلام برخوردار هستند، خود را از نخستین مرتبه معرفت - یعنی معرفت به اسم - نیز محروم ساخته اند. اینان حتی خصوصیات ظاهری امامشان را هم نمی دانند. مثلاً از سال و محل تولد ایشان بی خبرند و از این بابت هیچ گونه احساس نگرانی و شرمندگی هم نمی کنند. در حالی که بعضی از همین افراد، گاهی برای آشنایی با هنرپیشگان یا ورزشکاران

۱- البته این یک قاعده کلی نیست که شخص لازم باشد همیشه مقدمات معرفت را خودش فراهم آورد تا خدا به او فضل نماید. بلکه خداوند به هر کس که بخواهد، فضل می کند. تفصیل این بحث در حلقه اول این سلسله درسها آمد.

کشورهای خارجی، وقت زیادی صرف می‌کنند و با علاقه به دنبال کسب آگاهی بیشتر درباره آنها هستند.

بدین ترتیب برخی از نوجوانان شیعه اطلاعات وسیعی درباره فوتبال‌لیست‌های داخلی و خارجی یا هنرپیشگان و... به دست آورده، به خاطر می‌سپارند. گروهی از بزرگسالان هم - به ضرورت کسب و کار خود - مشخصات کالاهای مختلف را به صورت تخصصی یاد می‌گیرند. اما بسیاری از این افراد - پیر یا جوان - اگر بارها و بارها اسامی، تاریخ تولد و مشخصات دیگر امام زمان علیه السلام در مجالس گوناگون به آنها گفته شود، کوچک‌ترین توجهی نمی‌کنند و هیچ وقت نمی‌کوشند چیزی درباره امام خود بیاموزند. این بی‌توجهی‌ها چیزی جز قدرناشناسی قلبی را نمی‌رساند و نشان می‌دهد که حتی برای بعضی از افراد متدین، دانستن حدِّ اقلِّ خصوصیات امام عصر علیه السلام اصلاً مهم نیست. به راستی این ولی نعمت، چقدر غریب است؛ که حتی دوستانش این حدِّ اقلِّ توجه را هم به او مبذول نمی‌دارند؟!

درس دوم: قدر ناشناخته بودن صفات امام عصر علیه السلام

در درس گذشته از قدر ناشناخته بودن امام عصر علیه السلام سخن گفتیم و اینکه بسیاری از امام شناسان نیز در مرحله معرفت به اسم، کوتاهی دارند.

عدم معرفت به وصف

غربت امام عصر علیه السلام از جهت عدم «معرفت به وصف» بارزتر است. کسانی که از معرفت مشخصات ظاهری حضرتش غفلت می‌کنند، معمولاً افراد عامی هستند. اما متأسفانه در «معرفت به وصف» بیشتر، خواص دچار کاستی می‌شوند، که زیر مجموعه‌ای از اقلیت شیعیان هستند. اینان بیشتر افراد درس خوانده‌ای هستند که می‌توانند طرز تفکر دیگران را هم تحت تأثیر قرار دهند. محروم بودن این عده از معرفت امام عصر علیه السلام می‌تواند برای دیگران نیز خطر ساز باشد. از این رو، مشاهده غربت و ناشناخته بودن امام زمان علیه السلام در بین این افراد، بسیار دردناک است. همین امر، بسیاری از انحرافات را در